



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۰۵/۲۰

سیدهاشم سدید

حق نداریم خود را برای شما قربانی کنیم!

تصور معمول تا امروز این بود که در شرق میانه اگر جنگی رخ بدهد، به خاطر نفت رخ خواهد داد. این تصور وقتی احتیاج مبرم کشورهای بزرگ صنعتی جهان را که فعلاً با کمبود آب مواجه نیستند، در نظر بگیریم کاملاً درست است، اما با پیدایش بحران جدید به نام تنش (tenseness) یا بحران آب در این منطقه از کره زمین در حال حاضر این تصور جایش را به این نگرانی خالی نموده است، که آنچه در آینده سبب جنگ در منطقه شرق میانه خواهد گردید، بیشتر از همه کمبود آب خواهد بود و در میان خود کشور های منطقه، که خواهی نخواهی پای قدرت های بزرگ را برای فروش سلاح و حفظ منافع شان به اینجا خواهد کشاند...

آب که یکی از اهم ضروریات بشری و سائر موجودات زنده و نباتات می باشد، در این اواخر نه تنها در کشور های شرق میانه، بلکه در کشور ها و مناطق مختلفی روی زمین به دلایل مختلف رو به کاهش است.

در گذشته ها مردم چنین تصور می کردند که منابع آبی هیچ وقت کم، یا خشک شدنی نخواهند بود. این تصور، اگر جمعیت به همان پیمانۀ هائی که در گذشته - مثلاً در صد سال پیش - بود، باقی می ماند، یا مردم مصارف شان را در سطح نیاز های واقعی و به اندازه نگاه می داشتند، می توانست مقرون به حقیقت باشد. اما، جمعیت، با تأسف چه در هند و چین، و چه در سائر نقاط جهان پیوسته رو به فزونی می رود.

جمعیت جهان که در اواخر سال ۲۰۱۷ در حدود هفت میلیارد نفر اعلام شده بود، اینک - بعد از هفت یا هشت ماه - کم و بیش به هفت میلیارد و هشت صد میلیون نفر رسیده است.

دفتر "فائو"، یکی از مربوطات سازمان ملل متحد، طی راپوری که به ارتباط کمبود جدی آب تهیه و ارائه نموده بود، نوشت که تا سال ۲۰۲۵ در حدود نه ممیز یک میلیارد انسان در کشور ها و مناطق مختلف کره زمین با کمبود جدی آب رو به رو خواهند شد (نه ممیز یک میلیارد نفر با کمبود آب مواجه خواهند بود؛ خود جمعیت به چند میلیارد خواهد رسید!)

هند یکی از کشورهای هائی است که با کمبود شدید آب مواجه است. ایران نیز، که در همسایگی بلافاصله ما قرار دارد، در سال های اخیر با کمبود، تنش و بحران شدید آب مواجه است، که به جای پیدا کردن راه های مناسب، مثلاً تجدید نظر در سیاست های جلوگیری رشد یا توزیع جغرافیائی جمعیت، یافتن طرق بهتر برای کشت نباتاتی که به آب کمتر

نیاز دارند و رفع مشکلات خویش، از جمله مشکل آب خود با مدیریت درست و... می خواهد افغانستان که خود با مشکلات مختلف و متعدد دست به گریبان است از منابع آبی خود استفاده نکرده آن را برای راحتی و خوشی ایران به ایران هدیه کند.

جنگ های شدید اخیر در ولایت فراه، که به وسیله طالبانی مورد حمایت ایران به راه انداخته شده است، یکی از حربه های نامردانه ایران (و کار های خائنانه طالب) است که این کشور علاوه بر فشارهای دیگر بر کشور ما وارد نموده و وارد می نماید.

ایران به این حقیقت خوب ملتفت است که افغانستان هیچ وقت در قسمت توزیع حقایق ایران بر طبق آخرین پیمان منعقد شده میان دو کشور تعلل نورزیده است و هیچ وقت مانع جریان آن به ایران نشده است. اگر چنین گفته ای نادرست باشد، ایران می تواند آن را از طریق نهاد های ذی صلاح بین المللی پی گیری کند.

چرا ایران این کار را نمی کند؟ چون می داند که حقایق تعیین شده مطابق به قوانین بین المللی و قرارداد منعقد در همان حدی است که باید باشد و اگر به این کار دست بزند، با سرافکنندگی رو به رو خواهد شد.

و چرا فراه؟ چون می دانند که آب حداقل سه دریا (فراه رود، خاش رود و ادرسکن) از این ولایت می گذرد و به آبریز هامون هلمند می ریزد و کار بند برق "بخش آباد" فراه با ذخیره ای به ظرفیت یک هزار و سه صد و شصت میلیون مترمکعب آب به زودی به پایه اكمال می رسد و آب این سه دریا که بدن کدام مانع به آبریز هامون هلمند می ریخت و ایران از آن استفاده می نمود، بعد از این تماماً مورد استفاده ایران قرار نخواهد گرفت!

ایران این را به خوبی می داند که افغانستان، به عنوان کشوری که اقتصادش متکی به زراعت است و زراعت به آب نیاز دارد، نمی تواند آب مورد نیاز خود را، در صورتی که خود به آن شدیداً احتیاج دارد، به همسایگانش هدیه کند و با لب خشک دست به قضا رو به آسمان بنشیند که آب و نانش در آسمان ها تهیه گردد و برایش در سینی های طلائی فرستاده شود.

یکی از عوامل کمبود آب رشد بی رویه و سریع جمعیت است. سیاستمداران ایرانی بعد از انقلاب جوانب سودمند رشد جمعیت را (در بخش تولید و اقتصاد و نیروی دفاعی) دیدند، اما اثرات منفی آن را در سائر زمینه ها، از جمله بالا رفتن مصارف تولیدات مالداری و زراعت و باغداری، که باید با رشد جمعیت همپا و متعادل باشد، و نیاز به آب کافی دارد، مخصوصاً وقتی روش های صرفه جوئی در آب به کار گرفته نشود، پیش بینی نکردند و برای جلوگیری از پی آمد های منفی آن هیچ تدبیری نسنجیدند؛ اشتباهی بزرگی که آخوند ها یا توان پیش بینی آن را نداشتند و یا با این اعتقاد که "خدا که داد روزی اش را هم می دهد"، مانع آن شد که دست به کار مثمر از یک طرف، و جلوگیری از رشد بی رویه جمعیت از طرف دیگر بزنند.

عوامل کمبود آب زیاد هستند؛ از آن میان:

- رشد سریع جمعیت.

- سو مدیریت آب.
- مصرف بدون اندیشه و تأمل.
- افزایش متداوم مصرف غذائی، مانند حبوبات و گوشت و سبزیجات و میوه، که باغداری و زراعت و مالداري یگانه راه تولید آن است؛ و همه به آب نیاز دارند.
- توزیع جغرافیائی نادرست جمعیت و آب.

در ایران هیچ کدام از این امور مورد اعتنا قرار نگرفت. چرا؟ کار خودشان است. ما به کار آن ها کار نداریم؛ اما خواهش ما از آن ها این است، که آن ها هم ما را آرام بگذارند و به کار ما کاری نداشته باشند و مشکلات ما را درک کنند.

ایران به خوبی واقف است که افغانستان به عنوان یک کشوری کمتر انکشاف یافته نیاز به صلح و نیاز به کار و توسعه دارد؛ کما این که نیاز به آب و زراعت دارد. و این را هم می داند که کشوری که اتکای عمده اش به زراعت است و برای زراعت نیاز به آب دارد، نمی تواند آب خود را به کشور دیگری به نشانه محبت و به عنوان سوغات تحفه بدهد و خود را برای دیگری قربانی کند.

بناءً خواهش ما از آخوند ها این است که دست از اخلال در کار ما بر دارند. فرزندان ناباب و ناخلف این کشور را، خواه در هیئت پدram ها ظاهر شوند یا خواه در هیئت طالب ها و گلبدین ها و محقق ها ظهور کنند برای ناآرام ساختن و ایجاد تشنج در کشور ما حمایت و تشویق و ترغیب نکنند.

دشمنی با همسایه ها کاری خوبی نیست. آیا ایران آخوندی گاهی به این فکر افتاده است که کشوری است که بیشترین دشمن در جهان را دارد؟ چه سودی در آخر کار از این همه دشمن تراشی ها حاصل شما خواهد شد؟ در تمام شرق میانه یک دوست ندارید. کمی این طرف تر، با ترکیه شما مشکل دارید. با آذربایجان شما مشکل دارید. با افغانستان شما مشکل دارید. با پاکستان شما مشکل دارید. با مردم سوریه شما مشکل دارید. با امریکا و اروپا شما مشکل دارید و... چرا؟ آیا ممکن است که بگوئیم همه این کشور ها بد و ناباب هستند و تنها شما خوب هستید؟

می خواهیم فقط یک بار کلاه تان را به یک عنوان قاضی منصف پیش روی تان بگذارید و خوب فکر کنید که چرا این همه کشور با شما مشکل دارند.

امیدوارم بعد از آن متوجه شوید که نارسای هائی - آنهم بسیار جدی - در کار شما وجود داشته است و متوجه شوید که با سختی و درشتی و خشونت هیچ کاری پیش نمی رود و به زور یا از راه توطئه و تفتین هم در آخر کار چیزی به دست نمی آید.

پس بهتر است هر چه سریع تر سر عقل بیایید؛ چون دنیا با شتاب در گذر است و هیچ چیزی به یک حال باقی نمی ماند!!

